

روند تاثیر موقعیت اجتماعی و اقتصادی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸^۱

احسان جمالی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

چکیده

تحلیل موقعیت اجتماعی، اقتصادی و نقش متغیرهای مختلف تشکیل دهنده این موقعیت‌ها در طی زمان بر عملکرد تحصیلی (نمره کل) داوطلبان ورود به آموزش عالی از اهداف این تحقیق است تا مشخص نماید، این موقعیت‌ها در دستیابی به نمرات بالا چه تأثیراتی دارند و در طی زمان نقش این متغیرها ثابت مانده یا تغییر کرده است.

تمامی داوطلبان حاضر در جلسه آزمون سراسری در گروه آزمایشی علوم انسانی، در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. داده‌های تحقیق براساس اطلاعات و مدارک موجود در سازمان سنجش آموزش کشور و فرم‌های نظرخواهی تعداد ۴۱۰۵۵۴۲ نفر در این گروه آزمایشی در جلسه آزمون حاضر بوده و دیپلم خود را در سال قبل از آزمون دریافت نموده و گروه آزمایشی امتحانی آنان با رشته‌ای که در آن دیپلم گرفته‌اند تطابق داشته، جمع‌آوری شده است. بنابراین حجم اطلاعات مورد استفاده به عنوان نمونه آماری که از داده‌های گمشده چشم پوشی شده است در این گروه آزمایشی ۱۲۱۷۳۲۱ نفر می‌باشد.

روش آماری به کار رفته در این تحقیق، استفاده از مدل‌های سه سطحی با استفاده از نرم‌افزار HLM است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی، اقتصادی با میزان تأثیر متفاوت، در افزایش نمره کل داوطلبان مؤثر هستند و تفاوت معنی‌داری بین عملکرد تحصیلی

۱. برگرفته از پژوهش آزاد در سال ۱۳۹۰

۲. استادیار سازمان سنجش آموزش کشور jamali@sanjesh.org

زنان و مردان به نفع زنان مشاهده می‌شود؛ که با افزایش سال این تفاوت در گروه علوم انسانی بیشتر شده است. علاوه بر آن افزایش سطح تحصیلات پدران، سطح تحصیلات مادران و شغل پدران در هر سطح معنی‌داری بر افزایش عملکرد تحصیلی در تمامی سالهای تحقیق مؤثر بوده است؛ هرچند با افزایش سال از میزان اثر آنها کاسته شده است. همچنین در تمامی سالهای تحقیق افزایش سطح تحصیلات مادران در مقایسه با افزایش سطح تحصیلات پدران، در افزایش عملکرد تحصیلی اثر بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی:

موقعیت اجتماعی اقتصادی، عملکرد تحصیلی (نمره کل)، آزمون سراسری، مدل‌های چندسطحی.

مقدمه و اهمیت تحقیق

تقاضا برای آموزش عالی از داوطلبانی نشأت می‌گیرد که از خانواده‌هایی با موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی متفاوت می‌باشند هر چند این تقاضا تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. تحلیل تأثیر عوامل مختلف بر تقاضای اجتماعی و بررسی عوامل و متغیرهایی که بر احتمال ورود به آموزش عالی مؤثر می‌باشند از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف حاکی از تأثیر متفاوت زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی بر عملکرد تحصیلی فرزندان بوده و این زمینه‌ها از این طریق در انتخاب شغل، درآمد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بعدی آنها بازتاب پیدا می‌کند و عملکرد تحصیلی در چرخه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تمرکز یافته است که این عوامل تحت عنوان سرمایه‌های فرهنگی^۱، اجتماعی^۲ و اقتصادی^۳ شناخته می‌شوند. (کلمن^۴، ۱۹۸۸)

از پیامدهای فرآیند توسعه در جامعه، بالا رفتن سطح علمی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در زندگی روزمره افراد است و افراد برای نیل به یک هویت قابل قبول باید به میزان بالایی از آن دست یابند که نمود آن در عملکرد تحصیلی ظاهر می‌شود.

در تحلیلی واقع‌بینانه، ساز و کار موفقیت در ورود به دانشگاه با لحاظ طیف متنوعی از عوامل فردی و اجتماعی در نمره اکتسابی نمود پیدا کرده که در این خصوص توجه به موقعیت اجتماعی اقتصادی، در زمینه دستیابی به فرصت‌های آموزشی بسیار مهم جلوه می‌کند.

دستیابی به رشته‌های مورد اقبال آموزش عالی به عنوان یک ابزار کسب منزلت و حیثیت اجتماعی و تحرک اجتماعی در سالیان اخیر در جامعه ایران مطرح می‌باشد لذا شناخت متغیرهایی اثرگذار بر آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بررسی پیشینه خانوادگی و موقعیت اجتماعی افرادی که در آزمون ورودی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی شرکت می‌کنند و اثر آن بر نمره کل نهایی اکتسابی آنها طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ و بررسی روند این تغییرات و اثرات آن از اهداف اصلی این تحقیق است.

^۱-Cultural Capital

^۲-Social Capital

^۳-Economic Capital

^۴-Coleman

در این راستا تحقیقات بسیاری جهت تعیین سهم طبقات اجتماعی مختلف از این موقعیت‌ها انجام و این مفاهیم توسط دیگر جامعه‌شناسان از جهت انواع و منابع آن گستره‌ی وسیع‌تری یافته‌اند.

آیا پیشینه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها در عملکرد تحصیلی فرزندان‌شان باز تولید می‌شود یا عوامل دیگر در تبیین آن نقش دارند؟ با توجه به آنکه نمره کل عامل اساسی برای دسترسی به ظرفیت‌های محدود دانشگاهی (به‌خصوص در رشته‌های مورد اقبال داوطلبان) است نحوه توزیع آن در میان فرزندان طبقات مختلف جامعه و اهمیت کشف عوامل مؤثر بر موفقیت و دستیابی به این فرصت‌های آموزشی، در آموزش عالی، توجیه‌پذیری علمی این تحقیق را عملی ساخته و نتایج آن می‌تواند در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به مباحث ذکر شده دو هدف عمده در این تحقیق وجود دارد.

- ۱- موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی داوطلبان در دستیابی به نمره کل مناسب در گروه آزمایشی علوم انسانی، جنسیت‌ها و استان‌های مختلف، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.
- ۲- تغییر موقعیت اجتماعی اقتصادی داوطلبان طی زمان و تأثیر آن بر نمره کل مناسب در گروه آزمایشی علوم انسانی مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد تا نقش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در عملکرد تحصیلی تبیین شود.

در راستای اهداف فوق مفاهیم بکار رفته در این تحقیق به قرار زیر است:

آزمون سراسری: آزمونی است که در گروه‌های مختلف آزمایشی علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و زبانهای خارجی همه ساله توسط سازمان سنجش آموزش کشور برای دارندگان مقطع دیپلم نظام قدیم یا پیش دانشگاهی نظام جدید برگزار می‌شود.

عملکرد تحصیلی: عملکرد تحصیلی در این تحقیق، حاصل میانگین وزنی نمرات نرمال شده دروس عمومی و اختصاصی در گروه آزمایشی علوم انسانی در آزمون سراسری می‌باشد.

موقعیت اجتماعی اقتصادی: موقعیت اجتماعی اقتصادی داوطلبان در این تحقیق، با توجه به متغیرهای میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، شغل پدر و درآمد ماهیانه خانوار، وضعیت بخش (منطقه)، وضعیت استان و جنس داوطلب در نظر گرفته می‌شود.

وضعیت بخش: با توجه به شاخص‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، اجتماعی اقتصادی، پزشکی و ... برای هر یک از بخش‌های کشور براساس تقسیم‌بندی مناطق کشوری توسط سازمان سنجش تعیین می‌شود و هر داوطلب در یکی از سه بخش مناطق برخوردار، مناطق نیمه برخوردار و مناطق کمتر برخوردار قرار می‌گیرند.

وضعیت استان: میانگین وضعیت بخش داوطلبان هر استان است، که نشان دهنده میزان برخورداری استان هر داوطلب می‌باشد.

مدل‌های چندسطحی: از مدل‌های آماری است که با در نظر گرفتن ضرایب متغیر در الگوها، ساختارهای پیچیده اجتماعی اقتصادی را در مدل تحت تخمین لحاظ می‌نماید.

پیشینه تحقیق

محمدی (۱۳۷۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر قشربندی اجتماعی بر فرصت‌های آموزشی به مطالعه موردی دانشگاه ارومیه و دانشگاه علوم پزشکی ارومیه پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد بین قشربندی اجتماعی و امکان موفقیت و دسترسی فرد به تحصیلات دانشگاهی رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارتی هر چه فرد (والدین او) در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی در رده بالاتری قرار گرفته باشند امکان دسترسی فرد به آموزش عالی بیشتر خواهد شد و برعکس. در این تحقیق تأثیر چهار عامل تلاش فرد، حمایت مالی خانواده، تأثیر راهنمایی خانواده و تأثیر دوستان موفق در ایجاد انگیزه را بر روی میزان موفقیت افراد در دانشگاه مورد بررسی قرار داده است.

سرنده و همکاران (۱۳۷۶) پژوهش گسترده‌ای در زمینه عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه تبریز انجام داده‌اند و نتیجه می‌گیرند شغل و تحصیلات پدر دارای ارتباط معنی‌دار با موفقیت تحصیلی می‌باشد و همچنین به ارتباط بین تأهل و سهمیه مناطق با پیشرفت تحصیلی دست یافته‌اند.

خیر (۱۳۷۶) در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد شغل پدر و سپس تحصیلات مادر بهترین متغیر پیش‌بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی است. در صورتی که در مقطع دبیرستان بهترین متغیر پیش‌بین در مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت است.

قارون (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان "برآورد تقاضای اجتماعی در ایران در دوره ۸۸-۱۳۸۰" سعی نموده است در این دوره زمانی برآوردهایی از تقاضای آموزش عالی در دوره فوق به

تفکیک جنسیت، گروه‌های آزمایشی و سنی مختلف ارائه کند و به شناختی در مورد چگونگی تأثیر متغیرهای اجتماعی اقتصادی بر تقاضای آموزش عالی نائل آید. در این مقاله تعداد داوطلبان آزمون سراسری به جای تقاضای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. ایشان در مقاله دیگری با عنوان "تأثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی خانوار بر تقاضا برای آموزش عالی" به شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد درباره ورود یا عدم ورود به دانشگاه‌ها پرداخته است. در این تحقیق از مدل‌های دو وجهی^۱ که برگرفته از نظریه سرمایه انسانی است استفاده شده و نتیجه گرفته است سطح تحصیلات سرپرست خانوار با فرض ثابت بودن سایر شرایط در ورود فرد به دانشگاه مؤثر است و احتمال ورود به دانشگاه برای افراد با اعضای خانوار بیشتر و سن بیشتر کاهش می‌یابد.

نوغانی (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موقعیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی اقدام نموده و عرصه رقابت برای ورود به آموزش عالی را الزاماً استعداد دانش‌آموز نمی‌داند و حمایت‌های اقتصادی، فرهنگی خانواده، را با اهمیت می‌داند و نتیجه می‌گیرد، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمالی قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد. مدل بکار رفته در این تحقیق رگرسیون لجستیک می‌باشد.

تعیین موقعیت اجتماعی اقتصادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و صنعتی شریف عنوان طرحی است که روشن و صالحی (۱۳۸۲) در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انجام و پس از ارائه نظریاتی درخصوص چگونگی محاسبه موقعیت اجتماعی اقتصادی رابطه بین جنسیت، سن، تعداد اعضای خانوار، رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، دانشگاه، شاغل بودن، معدل دیپلم، تعداد مشروطی، نوع دیپلم با این پایگاه را با نمونه‌ای به حجم ۴۲۵ نفر مورد بررسی قرار داده‌اند. این تحقیق بیشتر از روشهای آماری توصیفی استفاده نموده و آزمون استقلال (کای دو) را بکار برده است.

در این تحقیق پس از بررسی تحقیقات مختلف به عمل آمده درخصوص چگونگی تعیین موقعیت اجتماعی-اقتصادی و مقایسه این تحقیقات الگوی سه عامل شغل، سواد و درآمد والدین دانشجویان برای تشخیص این موقعیت مورد استفاده قرار گرفته است. آنها معتقدند

¹-Binary Choice

این سه عامل جایگزین یکدیگر نیستند و اعلام می‌نمایند کسی که دارای درآمد بالایی است، الزاماً از موقعیت شغلی یا سطح سواد بالایی برخوردار نیست یا کسی که شغل سطح بالایی دارد الزاماً درآمد بالایی ندارد.

جمالی (۱۳۸۹) براساس اطلاعات داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد تفاوت معنی‌دار بین نمرات داوطلبان زن و مرد در گروه‌های آزمایشی علوم تجربی و علوم انسانی مشاهده می‌شود و افزایش سطح هریک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی اثر بیشتری بر داوطلبان گروه آزمایشی ریاضی و فنی و سپس علوم تجربی و در نهایت علوم انسانی دارد و خانواده‌های دارای موقعیت اجتماعی اقتصادی بهتر فرزندان خود را به سمت رشته‌های گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی و سپس علوم تجربی سوق می‌دهند. کوده^۱، تازف^۲ و ریتزن^۳ (۱۹۸۸) درخصوص اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحصیلات والدین بر تقاضای آموزش عالی تحقیقات جامعی انجام داده و با استفاده از روشهای چند متغیره و در سطح اطمینان‌های مختلف ارتباط مستقیم بین سطح تحصیلات والدین را بر تقاضای آموزش عالی فرزندان نشان داده‌اند.

مدل‌های لگاریتمی را جمینز^۴ و ویلاسکو^۵ (۲۰۰۰) براساس پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانشجویان از قبیل درآمد، نوع اشتغال، سطح سواد و ... خانوارها برای اثبات اثر بر تقاضای آموزش عالی مورد استفاده قرار دادند و گزارش نمودند دانشجویانی که از پایگاه اجتماعی، اقتصادی بالایی برخوردارند در بهترین مدارس تحصیل نموده و در سطح معناداری به دنبال دریافت بالاترین درجات دانشگاهی می‌باشند. همچنین افراد با پایگاه اجتماعی، اقتصادی بالاتر به دنبال تحصیل در دانشگاه‌هایی با تحصیلات چهار ساله می‌باشند.

^۱- kodde

^۲- Tozef

^۳-Ritzen

^۴-Jimenez

^۵-Velasco

آلبرت^۱ (۲۰۰۰) در بررسی تقاضای آموزش عالی در اسپانیا به سطح تحصیلات والدین به ویژه مادر و موقعیت اقتصادی خوب پدر و افزایش احتمال ورود به دانشگاه می‌پردازد و احتمال ورود مردان به دانشگاه را نسبت به زنان کمتر می‌داند.

روزادا^۲ (۲۰۰۱) در تحقیق پژوهشی خود در سال ۱۹۹۸ در آرژانتین نشان می‌دهد درآمد خانواده ۹۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بالاتر از حد متوسط است و تقریباً نیمی از پدران افراد وارد شده به دانشگاه تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. در حالی که تقریباً ۷۰ درصد دانشجویان متعلق به ۳۰ درصد از ثروتمندان افراد جامعه و تنها ۱۱ درصد متعلق به ۵۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه هستند.

جی نس^۳ (۲۰۰۲) موقعیت اجتماعی اقتصادی یک فرزند را به وسیله ترکیبی از سطح آموزشی والدین، موقعیت شغلی و سطح درآمد والدین معرفی و این موقعیت را روی نتایج دانش‌آموزان مؤثر ارزیابی می‌کند.

اندازه کوچک خانواده با دستاوردهای تحصیلی بالاتر در رابطه است و دانش‌آموزانی که خواهر و برادر کمتری دارند، احتمال زیادتری دارد که توجه بیشتری از سوی والدین به خود جلب نمایند. ایکوو^۴ (۲۰۰۱) همچنین در مقاله خود با عنوان ترکیب خانواده و پیامدهای تحصیل فرزندان نتیجه می‌گیرد که فرزندان از خانواده کوچکتر در مقایسه با فرزندان از خانواده‌هایی با بعد بالاتر شانس بیشتری برای دسترسی به منابع مورد نیاز دارند.

طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۴ نرخ مشارکت در دانشگاه برای تمام گروه‌های درآمدی جامعه آمریکا افزایش داشته است اما مشکلات بین گروه‌های پردرآمد و کم درآمد با وجود تلاش‌های صورت گرفته ثابت مانده است. گلا دیوس^۵ و سوایل^۶ (۱۹۹۸) همچنین معتقد است شکاف دسترسی به دانشگاه بین گروه‌های بالا و پایین درآمدی، نه تنها در نرخ مشارکت ورودیان به دانشگاه وجود دارد، بلکه دانشگاه‌ها و رشته‌های بهتر تحصیلی نیز نصیب فرزندان گروه‌های با درآمد بالا می‌شود.

1. Albert

2. Rozada

3. Jeynes

4. Iacovov

5. Glodieux

6. Swail

مشاهده می‌شود شرایط فرهنگی و موقعیت‌های اقتصادی اجتماعی خانواده و به ویژه والدین در طول مدت آموزش مؤثر است. غالباً دیده می‌شود که جوانان برخاسته از خانواده‌های کم درآمد و طبقات پایین‌تر اجتماعی، نتوانند بیش از دبیرستان تحصیلات خود ادامه دهند. حتی زمانی که برابری فرصت‌ها وجود دارد، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در نوع انتخاب رشته و طول دوره تحصیل فوق‌العاده مؤثر باشد. دانش‌آموزان طبقات پایین‌تر علاقمندند تا زودتر وارد بازار کار شوند و در افزایش درآمد خانوار مشارکت نمایند. از طرف دیگر، دختران خانوارهای مرفه نه تنها با نسبت بیشتر به دبیرستان و دانشگاه راه می‌یابند بلکه تا مدارج تحصیلی بالاتر، در جهت کسب تخصص‌های بیشتر ادامه می‌دهند. (ساخاراپولس و سانیا^۱، ۱۹۸۱)

یانگمین سان^۲ و (۱۹۹۲) با انتخاب تصادفی ۶۳۶ دانش‌آموز از ۵۰ مدرسه در سال آخر ابتدایی و متغیرهای نوع مدرسه، میانگین نمره درس قرائت در ۳ سال، موقعیت اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان را جمع‌آوری و نمره درس قرائت در سال پنجم به عنوان متغیر وابسته منظور شده است. مدل‌های مختلف برازش داده شده و نتیجتاً مدل دو سطحی که مدارس در سطح دوم و دانش‌آموزان در سطح اول ساختار سلسله مراتبی قرار گرفته‌اند بهترین مدل تعیین شده و اثر همه متغیرهای ورودی بر نمره سال پنجم مورد تأیید قرار گرفته است در صورتی که در مدل ثابت اثر متغیر میانگین نمره سه سال در مدل پذیرفته نشده است!

نتایج تحقیق جامعی که توسط وسترن^۳ و مک میلان^۴ در مجله آموزش عالی در سال ۲۰۰۰ انتشار یافت در بررسی و ارزیابی تحقیقات پاتریک لنیچ در استفاده از کد پستی (منطقه سکونت) برای تعیین موقعیت اجتماعی اقتصادی و ضمن چالش این روش علی‌رغم ساده و ارزان بودن ایرادات این روش را اعلام می‌نماید و اظهار می‌کند ممکن است یک نفر با موقعیت بالا در یک منطقه خاص شهری سکونت کند و همسایه کسانی باشد که دارای موقعیت پائینی هستند و بایستی خود افراد در محاسبه این موقعیت در نظر گرفته شوند نه

^۱. Psacharopoulos & Sanyal

^۲. Yungmin Sun

^۳. Western john

^۴. Mcmillan

منطقه یا محل سکونت آنها و لذا این افراد در تحقیق خود ارزشیابی شغل، میزان تحصیلات و درآمد را در تعیین این موقعیت کافی و بسنده می‌دانند.

با توجه به تحقیقات به عمل آمده درخصوص متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی [همچون تحقیقات پاتریک لنینج (۱۹۷۵)، کیت مک دوناد (۱۹۶۴)، دیوندان و دیگران (۲۰۰۰) و ماریلین آن ورنو جیمز دیدکمپل (۱۹۹۷)] و نقد هر کدام از این تحقیقات توسط هر یک و تعیین نقاط قوت و ضعف هر کدام در تعیین متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت‌های فوق، در این تحقیق از عوامل شغل، سواد و درآمد والدین به عنوان متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی و اقتصادی داوطلبان استفاده شده است.

بررسی تحقیقات دیگر انجام شده درخصوص تأثیر موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی در رده‌های مختلف تحصیلی اعم از مدرسه و دانشگاه [همانند لئولاکپ (۱۹۷۴)، بین گروست و توماس هاوک (۱۹۸۶) و ...] هر کدام از بخشی از متغیرهای شغل، درآمد و سطح تحصیلات استفاده نموده‌اند هر چند پس از سال ۲۰۰۰ و انتشار تحقیقات وسترن و مک‌میلان اکثر تحقیقات به استفاده همزمان از نوع شغل، سطح تحصیلات و سطح درآمد والدین پرداخته‌اند. [مانند تحقیقات وامین و جفری (۲۰۰۱)]

عملکرد تحصیلی، متأثر از عوامل مختلف شناختی و غیرشناختی است و موقعیت‌ها یا سرمایه‌های مختلف دیگری از قبیل سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی^۱ به عنوان عوامل غیرشناختی می‌توانند در میزان این عملکرد، مؤثر باشند. به اعتقاد بوردیو "کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی اقتصادی مسلط، شانس بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند" (کالمین^۲ و کرایکمپ^۳، ۱۹۹۷). لوتان‌کوی^۴ (۱۳۷۸) معتقد است "در کشورهای جهان سوم با توجه به آنکه ساختارها به طور کامل تثبیت نشده و آموزش عالی محدود است، عامل تعیین کننده اصلی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی است." از طرف دیگر نتایج تحصیلی که در شرایط، ضوابط، زمان و مکان تقریباً مشابه ایجاد می‌شود، ملاک تعیین عملکرد تحصیلی افراد است.

^۱ . سرمایه فرهنگی در این تحقیق بررسی نشده است.

^۲ . Kalmijn

^۳ . Kraaykamp

^۴ . Lethanh Khoi

با توجه به موارد مذکور در خصوص تحقیقات به عمل آمده در داخل و خارج از کشور در زمینه متغیرهای مختلف تشکیل دهنده موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی و تأثیر آنها بر عملکرد (پیشرفت) تحصیلی، نقش متفاوت هر یک از این متغیرها در کشورهای مختلف و بخصوص نقش بیشتر این متغیرها در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نتیجه گرفته شده و اینکه تمامی این تحقیقات بر روی دانش آموزان یا دانشجویان صورت پذیرفته و مشخص است که تحقیقات چندانی بر روی تأثیر این موقعیت‌ها بر نمره آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی صورت نگرفته است. از طرف دیگر تحقیقات انجام شده هیچکدام در خصوص بررسی تغییرات موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی در طی زمان و روند تأثیر این تغییرات بر عملکرد تحصیلی در بازه یا بازه های زمانی انجام نشده است.

مبانی نظری

کانون توجه نظریه کنش عقلانی^۱ بر مراحل انتقال تحصیلی مثلاً از راهنمایی به دبیرستان و از دبیرستان به دانشگاه می‌باشد، چرا که انتخاب در این مراحل براساس محاسبه سود و زیان بوده و بین طبقات اجتماعی از این حیث تفاوت وجود دارد. برای طبقات محروم هزینه عبور از آموزش متوسطه به آموزش عالی به مراتب بیشتر از طبقات مرفه و برخوردار است و لذا طبقات محروم کمتر متقاضی ورود به دانشگاه می‌شوند.

در مجموع در این تحقیق، ترکیبی از دو متغیر اساسی موقعیت (سرمایه) اقتصادی و موقعیت (سرمایه) اجتماعی که مستخرج از رویکردهای سرمایه اجتماعی و کنش عقلانی است به عنوان مبنای تحلیل عملکرد تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها انتخاب شده‌اند.

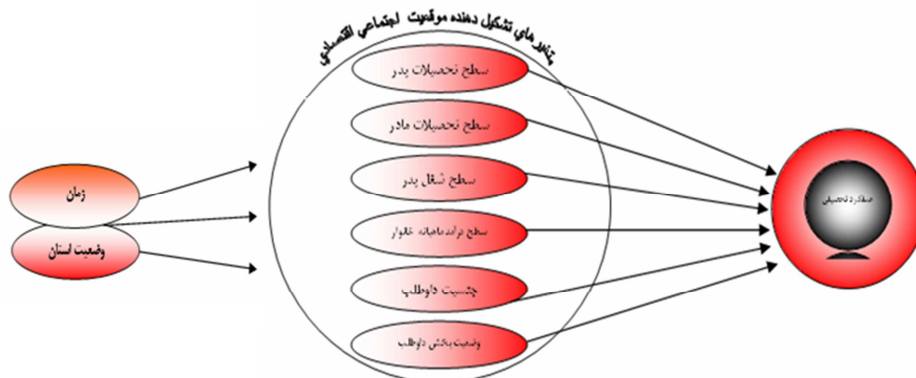
با توجه به تحقیقات به عمل آمده در خصوص متغیرهای مختلف تشکیل دهنده موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی و تأثیر آنها بر عملکرد (پیشرفت) تحصیلی، نقش متفاوت هر یک از این متغیرها در کشورهای مختلف و بخصوص نقش بیشتر این متغیرها در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نتیجه گرفته شده و اینکه تمامی این تحقیقات بر روی دانش آموزان یا دانشجویان صورت پذیرفته و مشخص است که تحقیقات چندانی بر روی تأثیر این

¹. Rational action

موقعیت‌ها بر نمره آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی صورت نگرفته است. (جمالی، ۱۳۸۹)

در این تحقیق نمره آزمون سراسری که ملاک و مبنای دسترسی به فرصت‌های مختلف آموزش عالی است و براساس نظریه‌های مختلف ارائه شده، می‌تواند الگو و ملاک مناسبی برای نشان دادن پیشرفت یا عملکرد تحصیلی دوران متوسطه برای راهیابی به دانشگاه‌ها باشد، و همچنین برخی از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی که همان سرمایه اقتصادی و اجتماعی داوطلبان هستند، انتخاب و چارچوب نظری این تحقیق را مطابق شکل یک تشکیل می‌دهد:

شکل (۱) مدل نظری تأثیر موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی و اثر متقابل آن با وضعیت استان در طی زمان



براساس این مدل عملکرد تحصیلی متأثر از متغیرهای مختلف تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی می‌باشد که میزان هر یک از این متغیرها در طی زمان تغییر کرده و تغییر وضعیت استان در طی زمان نیز به صورت اثر متقابل با یکدیگر عملکرد تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این عملکرد تحصیلی، دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی را پدید می‌آورد.

با توجه به موارد مذکور و مدل نظری ارائه شده و با عنایت به کمبود تحقیقات علمی در زمینه بررسی روند زمانی نقش متغیرهای مختلف تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی و اقتصادی در دسترسی به عملکرد تحصیلی (نمره کل) مناسب برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در رشته‌های مورد علاقه، مسأله این تحقیق بررسی نقش این موقعیت‌ها بر عملکرد تحصیلی است تا مشخص نماید این موقعیت‌ها در دستیابی به نمرات بالا چه تأثیراتی دارند و

در طی زمان نقش این متغیرها ثابت مانده یا تغییر کرده است. در این راستا فرضیه های تحقیق به قرار زیر است:

- ۱- افزایش سطح هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی داوطلبان، عملکرد تحصیلی آنها را در گروه آزمایشی علوم انسانی افزایش می دهد.
- ۲- اثرگذاری موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان، در گروه آزمایشی علوم انسانی هر ساله رو به افزایش است.
- ۳- تغییر سهمیه مناطق (از منطقه برخوردارتر به منطقه کم برخوردارتر) عملکرد تحصیلی داوطلبان را در گروه آزمایشی علوم انسانی کاهش می دهد.
- ۴- در گروه آزمایشی علوم انسانی، سطح تحصیلات مادران در مقایسه با سطح تحصیلات پدران، در عملکرد تحصیلی اثر بیشتری دارد.

جامعه آماری

داوطلبان حاضر در جلسه آزمون سراسری در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دهند. که تعداد آنها ۴۱۰۵۵۴۲ نفر است و ۶۶/۲ درصد آنان را زنان تشکیل داده اند که حجم جامعه آماری به تفکیک جنس در هر سال در جدول شماره یک مشاهده می شود.*

جدول شماره ۱: تعداد داوطلبان آزمون سراسری در سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸

به تفکیک جنس در گروه آزمایشی علوم انسانی

سال آزمون	جنس	زن	مرد	کل
۱۳۸۰		۲۸۷۰۹۱	۱۶۲۸۴۵	۴۴۹۹۳۶
۱۳۸۱		۲۹۳۳۸۹	۱۴۸۳۷۰	۴۴۱۷۵۹
۱۳۸۲		۳۰۳۱۷۴	۱۴۸۵۲۸	۴۵۱۷۰۲
۱۳۸۳		۳۲۰۳۰۷	۱۵۸۱۸۲	۴۷۸۴۸۹
۱۳۸۴		۳۱۵۴۴۳	۱۵۷۲۹۵	۴۷۲۷۳۸
۱۳۸۵		۳۰۵۰۸۶	۱۵۰۷۳۴	۴۵۵۸۲۰
۱۳۸۶		۲۹۷۵۸۹	۱۴۰۱۶۱	۴۳۷۷۵۰
۱۳۸۷		۳۰۳۹۲۲	۱۵۵۰۹۷	۴۵۹۰۱۹
۱۳۸۸		۲۹۱۷۲۷	۱۶۶۶۰۲	۴۵۸۳۲۹
جمع		۲۷۱۷۷۲۸	۱۳۸۷۸۱۴	۴۱۰۵۵۴۲

*- مأخذ تمامی جداول این تحقیق بانک های اطلاعاتی سازمان سنجش و محاسبات محقق است.

روش جمع‌آوری اطلاعات

با استفاده از اطلاعات داوطلبان سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ موجود در سازمان سنجش آموزش کشور و پرسشنامه تحویل شده به تمامی داوطلبان حاضر در جلسه که شامل متغیرهای مورد نیاز این تحقیق است، داده‌های مورد نیاز از سه بخش کلی ذیل تهیه شده است:

۱- اطلاعات ثبت‌نامی؛ (جنس، محل اقامت، سال تولد، نوع دیپلم، محل تحصیلات دبیرستانی، گروه آزمایشی)

۲- اطلاعات آزمونی؛ (نمرات دروس، نمره کل نهایی، سهمیه نهایی، استان بومی)

۳- اطلاعات پرسشنامه‌ای؛ (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، درآمد ماهیانه خانوار) با توجه به آنکه پرسشنامه به تمامی داوطلبان حاضر در جلسه آزمون در تمامی گروه‌های آزمایشی تحویل شده است و با توجه به اهداف تحقیق فقط از اطلاعات افرادی استفاده شده است که دارای شرایط ذیل می‌باشند:

۱- سال فارغ‌التحصیلی دوره متوسطه با سال شرکت در آزمون متناسب باشد،

۲- گروه آزمایشی امتحانی با دیپلم یکسان باشد،

۳- داوطلب پرسشنامه را تکمیل کرده باشد،

۴- ساختارهای غیریکسان در استانها و تفاوت روش نمره کل اصلاح شده است،

۵- از سهمیه منطقه‌ای داوطلبان اینارگر استفاده شده است.

۶- سال ۱۳۸۵ به دلیل آنکه در اطلاعات پرسشنامه‌ای تغییراتی ایجاد شده بود، علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت پذیرفته این اطلاعات پرسشنامه‌ای قابل استفاده برای تحقیق نشد. بنابراین اطلاعات این سال مورد استفاده قرار نگرفته است.

آمارهای توصیفی متغیرها

حجم نمونه آماری در کل هشت سال که از داده‌های گمشده^۱ چشم‌پوشی شده است در گروه آزمایشی علوم انسانی ۱۲۱۷۳۲۱ نفر است که در جلسه آزمون حاضر بوده و دارای شرایط بندهای یک تا شش اعلام شده در روش جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد و ۶۷/۷ درصد از آنها

¹-Missing Value

را زنان تشکیل داده اند. حجم نمونه، به ترتیب سالهای تحقیق ۱۳۷۷۵۸، ۱۴۵۱۷۹، ۱۴۰۹۵۲، ۱۵۸۷۹۰، ۱۴۹۸۰۶، ۱۵۸۰۷۰، ۱۶۸۳۰۵ و ۱۵۸۴۶۱ نفر است.

بر اساس نمونه فوق خلاصه آمارهای توصیفی مربوط به نمونه تحقیق به قرار زیر است:
(۱) تعداد، میانگین، انحراف معیار و نمره کل نهایی داوطلبان تحقیق که دارای توزیع نرمال بوده و یک متغیر پیوسته است در گروه آزمایشی علوم انسانی به تفکیک سال آزمون و جنس در جدول شماره ۲ درج شده است.

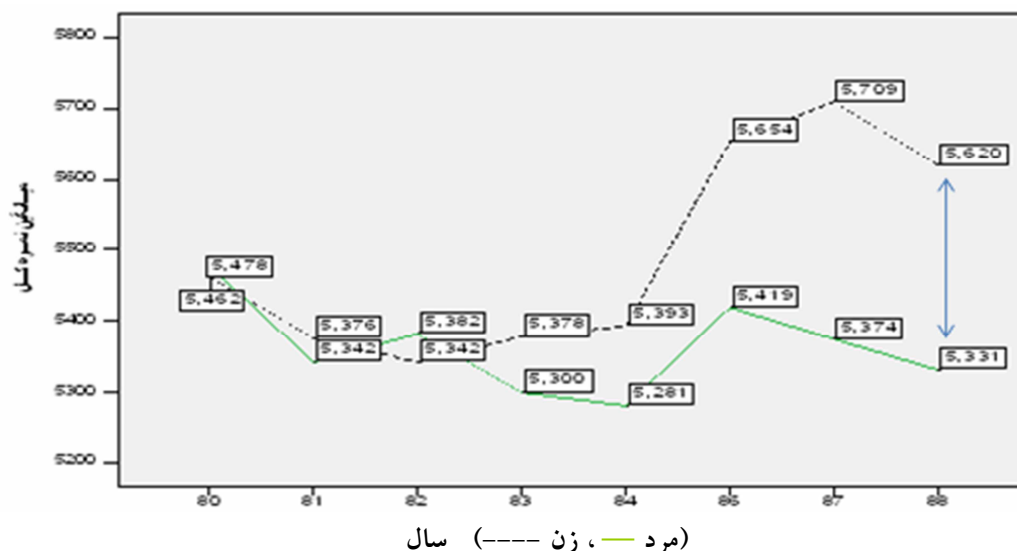
جدول شماره ۲: تعداد، میانگین و انحراف معیار نمره کل داوطلبان تحقیق، به تفکیک سال آزمون و جنس در گروه آزمایشی علوم انسانی

سال	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۸۰	زن	۹۱۹۷۸	۵۴۶۲/۲۸	۱۴۷۴/۴۸۳
	مرد	۴۵۷۸۰	۵۴۷۷/۷۲	۱۴۹۷/۷۷۸
	کل	۱۳۷۷۵۸	۵۴۶۷/۴۱	۱۴۸۲/۲۷۷
۸۱	زن	۹۸۰۳۱	۵۳۷۵/۸۰	۱۴۲۵/۷۹۹
	مرد	۴۷۱۴۸	۵۳۴۲/۱۵	۱۴۳۵/۴۳۲
	کل	۱۴۵۱۷۹	۵۳۶۴/۸۷	۱۴۲۹/۰۱۷
۸۲	زن	۹۵۹۶۵	۵۳۴۲/۱۳	۱۴۶۵/۸۱۹
	مرد	۴۴۹۸۷	۵۳۸۲/۰۹	۱۴۷۲/۵۱۱
	کل	۱۴۰۹۵۲	۵۳۵۴/۸۸	۱۴۶۸/۰۷۱
۸۳	زن	۱۰۷۵۴۸	۵۳۷۷/۹۵	۱۴۲۴/۴۰۴
	مرد	۵۱۲۴۲	۵۲۹۹/۷۲	۱۴۳۵/۶۶۵
	کل	۱۵۸۷۹۰	۵۳۵۲/۷۱	۱۴۲۸/۵۱۱
۸۴	زن	۱۰۲۶۴۳	۵۳۹۲/۹۲	۱۳۶۳/۰۷۹
	مرد	۴۷۱۶۳	۵۲۸۱/۱۵	۱۳۴۷/۱۱۸
	کل	۱۴۹۸۰۶	۵۳۵۷/۷۳	۱۳۵۹/۰۶۲
۸۶	زن	۱۰۹۵۸۲	۵۶۵۳/۸۹	۱۴۶۸/۸۱۳
	مرد	۴۸۴۸۸	۵۴۱۸/۷۹	۱۴۵۳/۸۲۸
	کل	۱۵۸۰۷۰	۵۵۸۱/۷۷	۱۴۶۸/۲۸۵
۸۷	زن	۱۱۳۹۳۹	۵۷۰۹/۰۳	۱۴۹۳/۷۸۹
	مرد	۵۴۳۶۶	۵۳۷۴/۴۱	۱۴۵۰/۷۸۰
	کل	۱۶۸۳۰۵	۵۶۰۰/۹۴	۱۴۸۸/۲۷۸
۸۸	زن	۱۰۵۰۸۵	۵۶۲۰/۳۰	۱۴۸۱/۵۲۹
	مرد	۵۳۳۷۶	۵۳۳۰/۸۲	۱۴۵۲/۲۳۱
	کل	۱۵۸۴۶۱	۵۵۲۲/۷۹	۱۴۷۸/۰۶۷
کل	زن	۸۲۴۷۷۱	۵۴۹۸/۰۷	۱۴۵۷/۳۰۲
	مرد	۳۹۲۵۵۰	۵۳۶۲/۰۶	۱۴۴۴/۸۰۸
	کل	۱۲۱۷۳۲۱	۵۴۵۴/۲۱	۱۴۵۴/۶۷۴

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد در گروه آزمایشی علوم انسانی بجز سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ که مردان با اختلاف اندکی، متوسط نمره بالاتری از زنان داشته‌اند در بقیه سال‌ها زنان نمرات بالاتری نسبت به مردان کسب نموده‌اند.

۲) نمودار میانگین نمره کل داوطلبان به تفکیک سال آزمون و جنس در گروه آزمایشی علوم انسانی در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود.

نمودار شماره ۱: میانگین نمره کل داوطلبان گروه آزمایشی علوم انسانی به تفکیک سال آزمون و جنس



در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌شود طی سالیان ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ به مرور متوسط نمره کل زنان از مردان بیشتر شده است به طوری که در سال ۱۳۸۰ میانگین نمره کل مردان ۱۵/۴۴ نمره از زنان بیشتر است و در سال ۱۳۸۸ میانگین نمره کل زنان ۲۸۹/۴۸ نمره از مردان بیشتر شده است و روند واگرایی عملکرد تحصیلی زنان از مردان در گروه علوم انسانی از سال ۱۳۸۱ شروع شده است.

۳) وضعیت تحصیل پدران و مادران نمونه تحقیق در گروه آزمایشی علوم انسانی در جدول شماره ۳ درج شده است و جدول شماره ۴ وضعیت شغل پدر در مقابل درآمد ماهیانه خانوارهای تحقیق را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: جدول دو طرفه سطح تحصیلات پدران و مادران در گروه آزمایشی علوم انسانی

گروه آزمایشی	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر				کل
		بیسواد	ابتدایی	متوسطه	عالی	
علوم انسانی	بیسواد	۱۶/۵۰	۴/۸۴	۰/۴۷	۰/۰۶	۲۱/۸۷
	ابتدایی	۱۴/۲۴	۲۳/۹۷	۳/۰۰	۰/۲۹	۴۱/۵۰
	متوسطه	۲/۶۵	۱۱/۴۱	۱۳/۲۷	۰/۸۴	۲۸/۱۷
	عالی	۰/۳۴	۲/۱۷	۴/۰۱	۱/۹۴	۸/۴۶
	کل	۳۳/۷۲	۴۲/۳۹	۲۰/۷۶	۳/۱۳	۱۰۰/۰۰

براساس جدول شماره ۳، بیش از ۷۵ درصد سطح تحصیلات پدران و بیش از ۶۲ درصد سطح تحصیلات مادران، در گروه آزمایشی علوم انسانی ابتدایی یا بیسواد است و بیش از ۵۷ درصد از افراد در این گروه آزمایشی دارای پدران و مادران دارای تحصیلات ابتدایی و بیسواد می باشند. داده های موجود نشان می دهد این میزان در استانهای با سطح برخورداری کمتر بشدت بیشتر از استانهای با سطح برخورداری بالاتر است.

جدول شماره ۴: جدول دو طرفه سطح شغل پدر و درآمد ماهیانه خانوار در گروه آزمایشی علوم انسانی

گروه آزمایشی	شغل پدر	درآمد ماهیانه خانوار				کل
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	
علوم انسانی	بیکار	۱۴/۶۷	۶/۹۱	۱/۶۵	۰/۸۹	۲۴/۱۲
	کارمند بخش خصوصی یا شغل آزاد	۱۸/۱۶	۱۸/۸۹	۸/۵۵	۳/۸۸	۴۹/۴۸
	کارمند دولت	۱/۲۸	۱۰/۱۱	۷/۲۵	۳/۲۷	۲۱/۹۱
	معلم یا هیات علمی	۰/۲۰	۱/۲۱	۱/۶۱	۱/۴۶	۴/۴۹
	کل	۳۴/۳۱	۳۷/۱۲	۱۹/۰۷	۹/۵۱	۱۰۰/۰۰

براساس جدول فوق، ۹/۵۱ درصد از کل داوطلبان مورد بررسی در گروه آزمایشی علوم انسانی دارای درآمد ماهیانه خانوار زیاد و بیش از ۲۰ درصد از افراد دارای پدر بیکار و درآمد ماهیانه خانوار خیلی کم یا کم می باشند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تلخیص، ارائه آمارهای توصیفی از نرم افزار SPSS و تخمین ضرایب الگو در روش سه سطحی از نرم افزار HLM^۱ استفاده شده است. در تعیین الگو، عملکرد تحصیلی به عنوان متغیر وابسته، وضعیت استان در سطح دو و زمان در سطح سوم، در نظر گرفته شده،

^۱-Hierarchical Linear and Nonlinear Modeling

متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی نیز به عنوان متغیرهای مستقل در سطح یک مدل وارد شده که در این صورت علائم بکار رفته در این تحقیق برای برازش مدل به قرار زیر است:

$(FG)_{ijk}$	سطح تحصیلات پدر (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(MG)_{ijk}$	سطح تحصیلات مادر (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(FJ)_{ijk}$	سطح شغل پدر (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(FI)_{ijk}$	سطح درآمد ماهیانه خانوار (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(J)_{ijk}$	جنسیت (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(R)_{ijk}$	وضعیت بخش (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):
$(S)_{jk}$	میانگین وضعیت استان (استان j ام در سال k ام):
$(T)_k$	زمان (سال k ام):
$(NKOL)_{ijk}$	نمره کل (داوطلب i ام در استان j ام در سال k ام):

مدل سه سطحی نهایی برازش شده در این گروه آزمایشی به همراه ضریب هر یک از متغیرهای موجود در مدل گروه آزمایشی علوم انسانی به تفکیک متغیرهای سطوح مختلف و آماره t هر یک از ضرایب به صورت زیر است:

$$\begin{aligned}
 (NKOL)_{ijk} = & 4671.78 + 63.49 * (T)_k \\
 & + 15.96 * (FG)_{ijk} - 5.15 * (FG)_{ijk} * (T)_k + 56.87 * (FG)_{ijk} * (S)_{jk} \\
 & - 36.44 * (MG)_{ijk} + 49.66 * (MG)_{ijk} * (S)_{jk} + 2.61 * (MG)_{ijk} * (S)_{jk} * (T)_k \\
 & - 67.47 * (FJ)_{ijk} + 20.01 * (FJ)_{ijk} * (T)_k \\
 & - 8.12 * (FI)_{ijk} - 15.07 * (FI)_{ijk} * (T)_k + 51.26 * (FI)_{ijk} * (S)_{jk} + 5.42 * (FI)_{ijk} * (S)_{jk} * (T)_k \\
 & + 426.96 * (J)_{ijk} - 43.76 * (J)_{ijk} * (T)_k - 172.94 * (J)_{ijk} * (S)_{jk} \\
 & - 140.30 * (R)_{ijk} + 114.62 * (R)_{ijk} * (S)_{jk}
 \end{aligned}$$

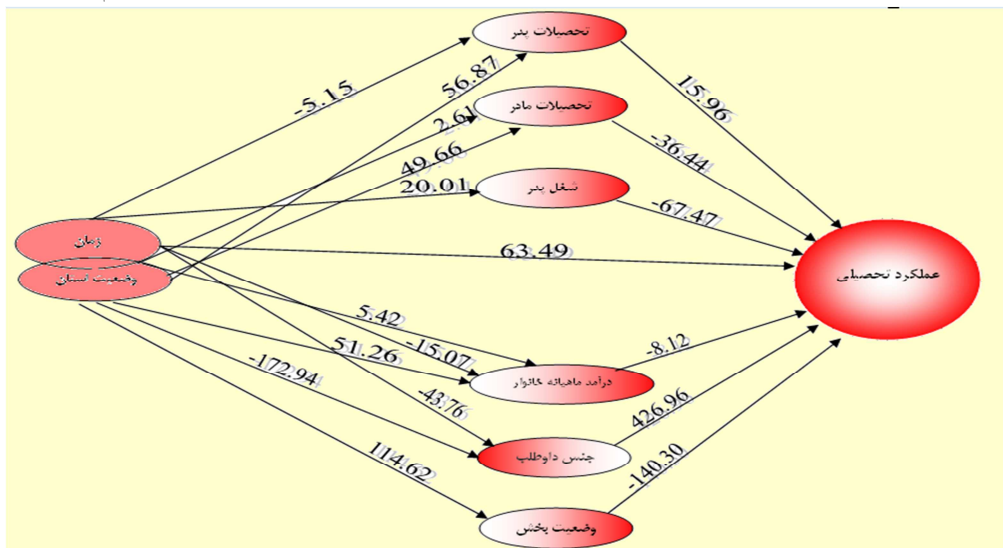
(جدول شماره ۵: ضریب هر یک از متغیرهای موجود در مدل به تفکیک متغیرهای سطح دو و سه و آماره t هر یک از ضرایب)

متغیرهای سطح یک	مقدار ثابت	وضعیت استان	زمان	وضعیت استان*زمان
مقدار ثابت	۴۶۷۱/۷۸	-----	۶۳/۴۹	-----
آماره t	(۷۷/۹۶)		(۶/۲۶)	
تحصیلات پدر	۱۵/۹۶	۵۶/۷۸	-۵/۱۵	-----
آماره t	(۱/۰۰*)	(۶/۴۹)	(-۴/۲۱)	
تحصیلات مادر	-۳۶/۳۳	۴۹/۶۶	۲/۶۱	-----
آماره t	(-۲/۱۹)	(۴/۶۵)	(۳/۲۲)	
شغل پدر	-۶۷/۴۷	-----	۲۰/۰۱	-----
آماره t	(-۳/۶۵)		(۶/۰۵)	
درآمد ماهیانه خانوار	۸/۱۲	۵۱/۲۶	۱۵/۰۷	۵/۴۲
آماره t	(-۰/۲۷*)	(۳/۸۱)	(-۲/۸۴)	(۲/۲۸)
جنسیت	۴۲۶/۹۶	-۱۷۲/۹۴	-۲۳/۷۶	-----
آماره t	(۷/۴۳)	(-۵/۲۲)	(-۱۰/۵۲)	
وضعیت بخش	-۱۴۰/۳۰	۱۱۴/۶۲	-----	-----
آماره t	(-۳/۶۱)	(۴/۸۷)		

* در سطح معنی دار ۰/۰۵ اثر این متغیرها معنی دار نیست.

آماره Deviance این مدل برابر ۲۱۰۹۳۳۲۳/۹۳۷ با ۵۸ پارامتر است. میزان تأثیر هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی به همراه اثرات متقابل آنها با زمان و وضعیت استان (در صورت معنی داری) و حضور متغیر در مدل نهایی در گروه آزمایشی علوم انسانی در شکل دو نشان داده شده و سپس نتایج حاصل از این مدل ارائه شده است.

شکل ۲) میزان تأثیر هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی در گروه آزمایشی علوم انسانی



نتایج حاصل از مدل در این گروه آزمایشی به قرار زیر است*:

۱- مدل برازش شده در این گروه آزمایشی نشان می‌دهد مقدار ثابت مدل تحت تأثیر زمان قرار گرفته و در هر سال نسبت به سال قبل مقدار ثابت مدل اضافه شده است. این امر بیانگر آن است که از اثر سایر متغیرها با افزایش سال کاسته می‌شود. مقدار ثابت مدل در طی سال‌های تحقیق در جدول ذیل مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۶: مقدار ثابت مدل در گروه آزمایشی علوم انسانی در سال‌های مختلف تحقیق

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
مقدار ثابت مدل	۴۷۳۵/۲۷	۴۷۹۸/۷۶	۴۸۶۲/۲۵	۴۹۲۵/۷۴	۴۹۸۹/۲۳	۵۱۱۶/۲۱	۵۱۷۹/۷۰	۵۲۴۳/۱۹

۲- افزایش سطح تحصیلات پدر داوطلبان موجب افزایش نمره کل می‌شود و هر سال نسبت به سال قبل از تأثیر سطح تحصیلات پدر کاسته می‌شود. همچنین اثر سطح تحصیلات پدر در

*- توجه شود تمامی نتایج حاصل بر اساس مدل نهایی برازش شده در گروه آزمایشی علوم انسانی می‌باشد و قابل تعمیم به سایر گروه‌های آزمایشی نیست همچنین نتایج ارائه شده فقط برای برخی استانها به طور خلاصه دیده می‌شود لیکن با استفاده از مدل می‌توان مقادیر مورد نیاز را برای سایر استانها محاسبه نمود.

استانهای برخوردار بیشتر است. همچنین مدل نشان می‌دهد اثر متقابل سطح تحصیلات پدر و وضعیت استان در افزایش نمره کل تأثیر دارد و به طور کلی در طی سالیان مختلف در تمامی سطوح تحصیلی پدر، به میزان معنی‌داری در تمامی استان‌های کشور با هر سطح معنی‌داری با هر سطح برخوردار از میزان تأثیر این متغیر کاسته شده ولی در آخرین سال نیز تأثیر افزایش سطح تحصیلات پدر در نمره کل مشهود است جدول شماره ۷ این تغییرات را برای استان‌های ایلام و تهران به وضوح نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد سال ۱۳۸۸ از تأثیر تحصیلات پدر در مقایسه با سال ۱۳۸۰ کاسته شده است و این مورد در تمامی استان‌ها در تمامی سطوح تحصیلی پدر مشهود است. ضمناً در هر سال افزایش سطح تحصیلات پدر در استان‌های با وضعیت مناسب‌تر تأثیر مثبت بیشتری در مقایسه با استان‌های کم برخوردار در نمره کل دارد. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در سطح تحصیلی عالی متوسط افزایش نمره کل در استان تهران به ترتیب ۶۰۹/۲۵ و ۴۳۱/۱۵ است در صورتی که این متوسط افزایش به ترتیب در این دو سال در استان ایلام ۲۷۱/۰۲ و ۱۰۶/۳۱ می‌باشد.

جدول شماره ۷: اثر افزایش سطح تحصیلات پدر در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در گروه آزمایشی علوم انسانی در استان‌های ایلام و تهران

سال	۱۳۸۰				۱۳۸۸			
	بیسواد	ابتدایی	متوسطه	عالی	بیسواد	ابتدایی	متوسطه	عالی
سطح تحصیلات پدر نام استان								
ایلام	۶۷/۷۵	۱۳۵/۵۱	۲۰۳/۲۶	۲۷۱/۰۲	۲۶/۵۸	۵۳/۱۶	۷۹/۷۳	۱۰۶/۳۱
تهران	۱۵۲/۳۱	۳۰۴/۶۳	۴۵۶/۹۴	۶۰۹/۲۵	۱۰۷/۷۹	۲۱۵/۵۷	۳۲۳/۳۶	۴۳۱/۱۵

۳- افزایش سطح تحصیلات مادران در تمامی سال‌ها موجب افزایش نمره کل در تمامی استان‌های کشور می‌باشد. ولی این تأثیر در هر سال در استان‌های با وضعیت بهتر به شدت بیشتر می‌باشد. همچنین با افزایش زمان اثر این متغیر افزایش می‌یابد. اثر مثبت و معنی‌دار تأثیر وضعیت استان بر نمره کل علاوه بر آنکه در طی زمان افزایش یافته در هر سال نیز با افزایش سطح تحصیلی مادران بر نمره کل در گروه آزمایشی علوم انسانی را در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ به تفکیک استان‌های ایلام و تهران در جدول شماره ۸ می‌توان مشاهده نمود. مدل نشان می‌دهد افزایش سطح تحصیلات مادران در تمامی سال‌ها موجب افزایش نمره کل در تمامی استان‌های کشور می‌باشد. ولی این تأثیر در هر سال در استان‌های با وضعیت بهتر به شدت بیشتر می‌باشد. به طوری که براساس جدول شماره ۸ در استان تهران در سال ۱۳۸۰ در سطوح

تحصیلی عالی و بیسواد مادران، این افزایش به ترتیب ۳۴۴/۶۱ و ۸۶/۱۵ است و در استان ایلام در همین سال به ترتیب ۵۱/۵۸ و ۱۲/۸۹ است. ضمناً با افزایش سال‌ها در تمامی سطوح تحصیلی مادران تأثیر مثبت و افزایشی مشاهده می‌شود به طوریکه در استان تهران در سال ۱۳۸۸ در همان سطوح تحصیلی مادران عالی و بیسواد افزایش به ترتیب معادل ۵۳۶/۰۱ و ۱۳۴/۰۰ مشاهده می‌شود و در استان ایلام این میزان ۱۳۵/۳۲ و ۳۳/۸۳ است. مقایسه این دو سال در این دو سطح تحصیلی نیز حاکی از آن است که به ترتیب در استان تهران در سطوح عالی و بیسواد به ترتیب ۱۹۱/۴ و ۴۷/۸۵ نمره، سال ۱۳۸۸ در مقایسه با سال ۱۳۸۰ اضافه شده در صورتی که این افزایش در این دو سطح تحصیلی در این دو سال به ترتیب در استان ایلام ۸۳/۷۴ و ۲۰/۹۴ است.

جدول شماره ۸: اثر افزایش سطح تحصیلات مادران در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در گروه آزمایشی علوم انسانی در استانهای ایلام و تهران

سال	۱۳۸۰				۱۳۸۸			
	بیسواد	ابتدایی	متوسطه	عالی	بیسواد	ابتدایی	متوسطه	عالی
ایلام	۱۲/۸۹	۲۵/۷۹	۳۸/۶۸	۵۱/۵۸	۳۳/۸۳	۶۷/۶۶	۱۰۱/۴۹	۱۳۵/۳۲
تهران	۸۶/۱۵	۱۷۲/۳۱	۲۵۸/۴۶	۳۴۴/۶۱	۱۳۴/۰۰	۲۶۸/۰۱	۴۰۲/۰۱	۵۳۶/۰۱

۴- در گروه آزمایشی علوم انسانی تأثیر سطح شغلی پدر در طی سالیان مختلف براساس مدل برازش شده به شدت افزایش یافته است به طوریکه مدل نشان می‌دهد تفاوت معنی‌دار در هر سال در سطوح مختلف شغل پدر مشاهده می‌شود و با افزایش سال، افزایش سطح شغل پدران تأثیر افزایشی در نمره کل ایجاد می‌نماید. جدول شماره ۹ نشان می‌دهد با افزایش سال، تأثیر سطح شغلی پدران در گروه آزمایشی علوم انسانی معنی‌دار شده و تأثیر مثبت پیدا کرده است به طوریکه در سال ۱۳۸۸ در سطوح شغلی بیکار و معلم هیأت علمی میزان تأثیر مثبت آن به ترتیب ۱۱۲/۶۲ و ۴۵۰/۴۸ می‌باشد.

جدول شماره ۹: میزان تأثیر سطح شغل پدران بر نمره کل در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ در گروه آزمایشی علوم انسانی

سال	بیکار	کارمند بخش خصوصی یا شغل آزاد	کارمند دولت	معلم یا هیأت علمی
۱۳۸۰	-۴۷/۴۶	-۹۴/۹۲	-۱۴۲/۳۸	-۱۸۹/۸۴
۱۳۸۱	-۲۷/۴۵	-۵۴/۹۰	-۸۲/۳۵	-۱۰۹/۸۰
۱۳۸۲	-۷/۴۴	-۱۴/۸۸	-۲۲/۳۲	-۲۹/۷۶

۵۰/۲۸	۳۷/۷۱	۲۵/۱۴	۱۲/۵۷	۱۳۸۳
۱۳۰/۳۲	۹۷/۷۴	۶۵/۱۶	۳۲/۵۸	۱۳۸۴
۲۹۰/۴۰	۲۱۷/۸۰	۱۴۵/۲۰	۷۲/۶۰	۱۳۸۶
۳۷۰/۴۴	۲۷۷/۸۳	۱۸۵/۲۲	۹۲/۶۱	۱۳۸۷
۴۵۰/۴۸	۳۳۷/۸۶	۲۲۵/۲۴	۱۱۲/۶۲	۱۳۸۸

۵- سطح درآمد ماهیانه خانوارها در گروه آزمایشی علوم انسانی براساس مدل نهایی برآزش شده در این گروه آزمایشی تحت تأثیر متقابل با زمان، وضعیت استان و تأثیر متقابل زمان و وضعیت استان قرار گرفته است به طوریکه وضعیت استان هم به طور مستقیم در افزایش نمره کل در هر سال تأثیر گذاشته و هم به صورت متقابل با زمان در افزایش نمره کل متأثر بوده است. اما تأثیر منفی زمان و سطح درآمد با ضریب بزرگتر، موجب کاهش زمانی از تأثیر این متغیر شده است. به طوریکه در مقایسه با سایر گروه‌ها نیز اثر این متغیر تنها در این گروه متأثر از تأثیر متقابل تمامی متغیرهای سطوح دو و سه مدل چند سطحی شده است. جدول شماره ۱۰ میزان تأثیر تغییر این متغیر را، در طی زمان و در استان‌های مختلف، نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۰: اثر تغییر سطح درآمد ماهیانه خانوارها بر نمره کل در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در گروه

آزمایشی علوم انسانی در استان های ایلام و تهران

۱۳۸۸				۱۳۸۰				سال
زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	درآمد ماهیانه نام استان
-۱۷۴/۲	-۱۳۰/۶	-۸۷/۰۸	-۴۳/۵۴	۱۳۴/۲۵	۱۰۰/۶۹	۶۷/۱۳	۳۳/۵۶	ایلام
۳۹۷/۲۷	۲۹۷/۹۵	۱۹۸/۶۴	۹۹/۳۲	۴۷۱/۳۶	۳۵۳/۵۲	۲۳۵/۶۸	۱۱۷/۸۴	تهران

۶- در گروه آزمایشی علوم انسانی اثر جنسیت به شدت تحت تأثیر منفی افزایش زمان و سطح برخورداری قرار گرفته است به طوریکه با افزایش زمان از اثر این متغیر به شدت کاسته شده و استان‌های با برخورداری بیشتر تفاوت اثر جنسیت به مراتب بیشتر از استان‌های کم برخورداری می‌باشد. مردان در سال‌های اولیه در این گروه آزمایشی نمره کل بیشتری در مقایسه با زنان دارند در صورتی که در سال‌های بعد این اختلاف کمتر می‌شود و در سال‌های آخر نمرات زنان از مردان بیشتر می‌شود. از طرف دیگر هر چند دختران دارای عملکرد تحصیلی بهتری می‌باشند ولی افزایش سطح برخورداری اثر بیشتری بر عملکرد تحصیلی دختران در مقایسه با پسران دارد. جدول شماره ۱۱ میزان متوسط تأثیر این متغیر بر نمره کل را، در

سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر و تهران نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد در استان‌های با برخورداری کمتر نمرات زنان در سال ۱۳۸۰ کمتر از مردان می‌باشد در صورتی که در سال ۱۳۸۸ در تمامی استان‌ها، نمرات زنان از مردان بیشتر می‌شود. در استان تهران با بیشترین برخورداری در این گروه آزمایشی در سال ۱۳۸۰ اختلاف نمرات مردان از زنان ۴۷/۱۱ نمره به نفع زنان و در استان ایلام این مقدار به میزان ۲۱۰/۰۴ نمره به نفع مردان است در صورتی که در سال ۱۳۸۸ در استان تهران ۳۸۷/۰۷ نمره اختلاف نمره مردان از زنان است که زنان دارای نمره بیشتری در مقایسه با مردان می‌باشند و در استان ایلام این اختلاف ۱۴۰/۱۲ نمره با نمره بیشتر زنان نسبت به مردان می‌باشد.

جدول شماره ۱۱: اثر جنسیت بر نمره کل در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ به تفکیک استان و میزان تغییر نمره مردان از زنان در هر سال در گروه آزمایشی علوم انسانی

نام استان	جنس	۱۳۸۰			۱۳۸۸		
		زن	مرد	تفاوت مرد از زن	زن	مرد	تفاوت مرد از زن
اصفهان		۴/۶۵	۹/۳۱	۴/۶۵	-۳۴۰/۳۰	-۶۸۰/۵۹	-۳۴۰/۳۰
ایلام		۲۱۰/۰۴	۴۲۰/۰۷	۲۱۰/۰۴	-۱۴۰/۱۲	-۲۸۰/۲۴۰	-۱۴۰/۱۲
بوشهر		۱۸۵/۳۸	۳۷۰/۷۶	۱۸۵/۳۸	-۱۷۰/۴۵	-۳۴۰/۹۰	-۱۷۰/۴۵
تهران		-۴۷/۱۱	-۹۴/۲۱	-۴۷/۱۱	-۳۸۷/۰۷	-۷۷۴/۱۵	-۳۸۷/۰۷

۷- وضعیت بخش هر داوطلب از دیگر متغیرهای سطح یک است که در مدل برآزش شده نهایی ظاهر شده است. اثر این متغیر با تأثیر فزاینده در استانهای با برخورداری بیشتر در مدل مشاهده می‌شود. همچنین با تغییر زمان تغییری در اثر وضعیت برخورداری بخش بر عملکرد تحصیلی مشاهده نمی‌شود. جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد وضعیت بخش داوطلبان در تمامی استان‌های کشور تأثیر بر نمره کل دارد به طوریکه این تأثیر در استان‌های با برخورداری بیشتر از شدت بیشتری برخورداری است مثلاً در استان تهران در سال ۱۳۸۰ داوطلبان واقع در بخش کم برخوردار در مقایسه با بخش بیشتر برخوردار متوسط افزایش نمره کلی به میزان ۴۳۴/۶۹ در برابر ۱۴۴/۹۰ دارند در صورتی که در استان‌های کمتر برخوردار مانند ایلام این میزان به ترتیب ۷۶/۵۹ و ۲۵/۵۳ با تأثیر منفی است. استان‌هایی که در سال ۱۳۸۸ نمرات منفی در سه

سطح برای آنها مشاهده می شود به دلیل کاهش متغیر وضعیت استان در این سال در مقایسه با سال ۱۳۸۰ می باشد (S_{jk} کاهش داشته است)

جدول شماره ۱۲: تاثیر متغیر وضعیت بخش داوطلبان، در استان های ایلام و تهران در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ در گروه آزمایشی علوم انسانی

سال			۱۳۸۰			۱۳۸۸		
وضعیت بخش داوطلب	نام استان	کم	نیمه	برخوردار	کم	نیمه	برخوردار	وضعیت بخش داوطلب
		برخوردار	برخوردار	برخوردار	برخوردار	برخوردار	برخوردار	وضعیت بخش داوطلب
	ایلام	-۲۵/۵۳	-۵۱/۰۶	-۷۶/۵۹	-۲۵/۴۸	-۵۰/۹۷	-۷۶/۴۵	
	تهران	۱۴۴/۹۰	۲۸۹/۷۹	۴۳۴/۶۹	۱۳۸/۱۹	۲۷۶/۳۹	۴۱۴/۵۸	

۸- درخصوص فرضیه اول «افزایش سطح هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده موقعیت اجتماعی اقتصادی داوطلبان، عملکرد تحصیلی آنها را در گروه آزمایشی علوم انسانی افزایش می دهد» براساس آزمون فرض انجام شده مشاهده می شود، افزایش سطح تحصیلات پدران و مادران و شغل پدران در هر سطح معنی داری موجب ارتقاء عملکرد تحصیلی، ولی اثرافزایش سطح درآمد ماهیانه خانوارها بر عملکرد تحصیلی تا سطح ۸/۷ درصد تأیید نمی شود. به عبارت دیگر این فرضیه برای سطح تحصیلات پدران، سطح تحصیلات مادران و شغل پدران در هر سطح معنی داری در گروه آزمایشی علوم انسانی قابل پذیرش است.

۹- فرضیه دوم تحقیق «اثرگذاری موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان، در گروه آزمایشی علوم انسانی هر ساله رو به افزایش است» در هر سطح معنی داری قابل پذیرش نیست. بنابراین اثر موقعیت اجتماعی اقتصادی بر عملکرد تحصیلی با افزایش سال افزایش نیافته است.

۱۰- فرضیه سوم تحقیق به صورت تغییر سهمیه مناطق (از منطقه برخوردارتر به منطقه کم برخوردارتر) عملکرد تحصیلی داوطلبان را در گروه آزمایشی علوم انسانی کاهش می دهد» بیان شده است هرچند این فرضیه معادل آن است که وضعیت بخش داوطلبان (از مناطق کم برخوردارتر به منطقه برخوردارتر) عملکرد تحصیلی داوطلبان را افزایش می دهد. این فرض تا سطح ۱۳/۹۹ درصد قابل پذیرش نیست. بنابراین اثر تغییر سهمیه مناطق (از منطقه کم برخوردارتر به منطقه برخوردارتر) یا افزایش وضعیت بخش داوطلبان موجب افزایش نمره کل

و عملکرد تحصیلی در این گروه آزمایشی نمی‌شود. (توجه به این نکته ضروری است که اثر افزایشی وضعیت استان عامل افزایش عملکرد تحصیلی در این گروه می‌باشد).

۱۱- فرضیه چهارم به صورت « درگروه آزمایشی علوم انسانی، سطح تحصیلات مادران در مقایسه با سطح تحصیلات پدران، در عملکرد تحصیلی اثر بیشتری دارد » مطرح شده است که مدل ارائه شده برای این گروه آزمایشی با توجه به تأثیرات متقابل متغیر تحصیلات پدر با زمان و وضعیت استان و تأثیر متقابل تحصیلات مادر با وضعیت استان لزوماً بایستی آزمون فرض با لحاظ متغیرهای فوق صورت پذیرد. بنابراین آزمون فرض در صورتی که γ ضریب هر یک از متغیرهای موجود در مدل منظور شود به صورت زیر خواهد بود.

$$H_0 : \gamma_{FG} + \gamma_{FG*T} + \gamma_{FG*S} - \gamma_{MG} - \gamma_{MG*S*T} \geq 0$$

که با تعریف کانتراست مناسب برای فرضیه فوق مقدار آماره آزمون برابر $\chi^2 = ۲۰/۶۰۷۶$ با یک درجه آزادی و $P-Value = ۰/۰۰۰$ خواهد بود و در هر سطح آزمون معنی‌دار است بنابراین H_0 قابل پذیرش نیست و نشان دهنده آن است که فرض مقابل با هر میزان اطمینان قابل پذیرش است. بنابراین تأثیر بیشتر سطح تحصیلات مادران در مقایسه با سطح تحصیلات پدران در این گروه آزمایشی پذیرفته می‌شود. (توجه به این نکته ضروری است که اثر بیشتر سطح تحصیلات مادران در مقایسه با سطح تحصیلات پدران در طی زمان بیشتر شده است).

نتیجه گیری

- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که داوطلبان گروه آزمایشی علوم انسانی با توجه به افزایش نسبی در مجموع موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی، باز هم اثرپذیری عملکرد تحصیلی از موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی را حفظ کرده‌اند هر چند از میزان این اثرپذیری با افزایش سال کاسته شده است. بنابراین برخلاف گسترش فرصت‌های تحصیلی در سالهای اخیر، دسترسی به فرصت‌های برتر آموزش عالی (بالاخص دوره های روزانه مورد اقبال داوطلبان در این گروه آزمایشی) علیرغم تلاشهای صورت گرفته هنوز هم در اختیار افراد با وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتر است.

- ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای دسترسی به آموزش عالی همواره در تمامی کشورهای دنیا مورد نظر دولت‌ها و حکومت‌ها بوده است، در ایران به عنوان کشوری در حال توسعه،

تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بنابراین پاداش‌های مرتبط با عملکرد تحصیلی، مانند دسترسی به رشته‌های مورد اقبال در آموزش عالی، به طور عادلانه در بین افراد با موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی متفاوت توزیع نشده است.

برخی تلاش‌های انجام شده در ایران برای کاهش نابرابری فرصت‌ها، برای ورود به آموزش عالی، مانند سهمیه‌بندی (و تا حدی گزینش بومی) نیز شاید در همین راستا، برای دسترسی اقشار مختلف جامعه با موقعیت‌های مختلف اجتماعی اقتصادی، به آموزش عالی صورت پذیرفته است. در صورتی که بایستی ماهیت نابرابری‌ها شناسایی و در جهت ایجاد عدالت و کاهش نابرابری، به جای راهکارهای مقطعی اقدام گردد.

- براساس این تحقیق نابرابری فرصت‌ها، در دسترسی به آموزش عالی، بر اساس عملکرد تحصیلی متفاوت، نه تنها ریشه در موقعیت اجتماعی اقتصادی داوطلبان دارد، بلکه تأثیر همزمان این موقعیت‌ها با وضعیت برخورداری در استان‌ها، در افزایش این نابرابری و تشدید آن سهم است.

در استان‌های با سطح برخورداری کمتر، افزایش موقعیت اجتماعی اقتصادی، هر چند تا حدودی موجب افزایش عملکرد تحصیلی می‌شود ولی در استان‌های برخوردار این افزایش سطح موقعیت‌ها، عملکرد تحصیلی را به شدت افزایش می‌دهد و می‌تواند موجب مهاجرت افراد با موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی بالاتر به مناطق برخوردار برای استفاده از امکانات و موقعیت‌های برتر شود. لذا ایجاد امکانات مناسب آموزشی، علمی در مناطق کم برخوردار بجای راهکارهای مقطعی مهم جلوه می‌کند.

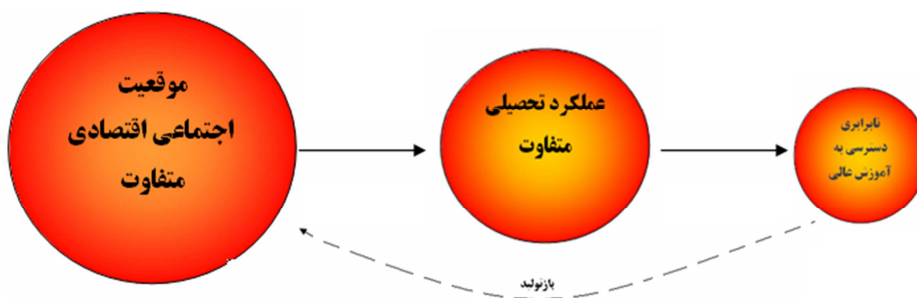
- افزایش واگرایی بین عملکرد تحصیلی زنان و مردان به نفع زنان، و افزایش این نابرابری عملکرد با افزایش سال، بخصوص در صورت ادامه این روند افزایش واگرایی در سالهای آینده در این گروه آزمایشی، عاملی در ایجاد پدیده اجتماعی است. هر چند این پدیده می‌تواند دارای آثار مثبت در آینده برای جامعه زنان و کل جامعه ایران باشد، دارای آثار منفی و بروز مشکلات فرهنگی در جامعه، مانند تغییر سن ازدواج، بیکاری مردان نان‌آور خانوار و اشتغال بیشتر زنان، افزایش توقعات زنان، افزایش آمار طلاق و ابهام و تضاد در نقش‌های جنسیتی و ... خواهد بود.

بنابراین پرداختن به این موضوع که می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آینده باشد، مهم جلوه می‌کند و بایستی نسبت به انجام تحقیقات لازم در این خصوص و ارائه طرح‌ها و الگوهای عملی و کاربردی مختلف برای کاهش فاصله عملکرد تحصیلی پسران از دختران (به جای دادن ظرفیت خاص در کنکور به پسران مانند گزینش جنسیتی) اقدام نمود.

- هر گونه سیاستی که بخواهد برای افزایش دسترسی به آموزش عالی تدوین شود باید سه مقطع قبل، حین و بعد از دانشگاه را در نظر بگیرد تا بتواند نابرابری را کاهش دهد بنابراین بجای امتیازات ویژه برای ورود به دانشگاه برای افراد با موقعیت اجتماعی اقتصادی پایین‌تر، می‌توان با ارائه کمکهای مالی، برنامه ریزی و ارائه آموزشهای خاص و ویژه و یا شناسایی و بورس تحصیلی در مقاطع تحصیلی پایین‌تر در رشد و تعالی این افراد اقدام نمود تا خود بتوانند در یک رقابت عادلانه در دسترسی به آموزش عالی برتر فائق آیند.

- آموزش عالی کالایی پر هزینه است ظرفیت‌های محدود و برتر آموزش عالی در دوره‌های روزانه که توسط دولت هزینه آنها پرداخت می‌شود با اهداف و استراتژی خاصی بنا شده است براساس این تحقیق اکثر این ظرفیت‌ها در حال حاضر از یک طرف توسط افراد با وضعیت اجتماعی اقتصادی بهتر و از سوی دیگر توسط زنان اشغال می‌شود. بنابراین موقعیت اجتماعی اقتصادی متفاوت موجب عملکرد تحصیلی متفاوت و این عملکرد متفاوت موجب نابرابری دسترسی به آموزش عالی است و لذا می‌تواند این نابرابری دسترسی، مطابق شکل ۳ در یک چرخه، و در طی زمان موجب بازتولید مجدد موقعیت اجتماعی اقتصادی متفاوت باشد.

شکل ۳) چرخه تأثیر متقابل موقعیت اجتماعی اقتصادی متفاوت بر نابرابری دسترسی به آموزش عالی



فهرست منابع

- پورکاظمی، محمد حسین (۱۳۷۹) "طبقه بندی بخشها و استانهای کشور براساس شاخصهای فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، بهداشتی"، سازمان سنجش آموزش کشور، تهران، گزارش پژوهشی شماره ۴۱.
- جمالی، احسان (۱۳۸۹) "تأثیر موقعیت اقتصادی، اجتماعی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان ورود به آموزش عالی ایران" مجله آموزش عالی ایران، سال سوم، شماره دوم، صص ۵۴-۲۵.
- حجازی، یوسف (۱۳۸۳) "نقش عوامل اجتماعی در عملکرد تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران" نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۴۹-۲۳.
- خدایی، ابراهیم (۱۳۸۸) "بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش آموزان با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری سال ۱۳۸۵"، مجله آموزش عالی ایران، شماره ۴، صص ۸۴-۶۵.
- خیبر، محمد (۱۳۷۶) "بررسی رابطه برخی از شاخص های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش آموزان سال اول دبیرستان" مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۱۲-۷۶.
- روشن، احمد رضا و صالحی، محمد جواد (۱۳۸۲) "تعیین پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانشجویان دانشگاه های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و صنعتی شریف" مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- روشن، احمد رضا (۱۳۸۳) "دسترس به آموزش عالی" دایره المعارف آموزش عالی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، جلد ۱، صص ۵۲۸-۵۲۲.
- قارون، معصومه (۱۳۸۵) "بررسی مقایسه ای تأثیر عوامل اجتماعی اقتصادی خانوار بر تقاضای ورود به آموزش عالی" فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۱۱۰-۹۱.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸) "الگوی تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران" فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۷۲-۱۳۹.
- کوی، لوتان (۱۳۷۸) "آموزش و پرورش: فرهنگ ها و جوامع" ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- لواسانی، مسعود و درانی، کمال (۱۳۸۳) "رابطه ویژگی های فردی و خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی" مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره دو، شماره ۶۹، صص ۲۲-۱.

معاونت فنی و آماری سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۹) "بررسی آماری جنسیت و آموزش عالی، با تاکید بر رویکردهای جامعه شناختی در آزمون سراسری سال ۱۳۸۸" مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور، بهار ۱۳۸۹.

نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۱) "الگوسازی چند سطحی و کاربردهای آن در اقتصاد" دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، مجموعه مقاله‌های اولین همایش معرفی و کاربرد مدل‌های ناخطی. نوغانی، محسن (۱۳۸۰) "تحلیل جامعه‌شناختی موفقیت ورود به دانشگاه" دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.

Baver, Thomas k. & Ira N. Gany (2001) "Sibling Rivalry in Educational Attainment: the German Case" IZA Discussion No. 180, Institute for the Study of Labor (IZA), Germany

Blav, D. M. (1999) "The Effect of Income on Child Development" The Review of Economics and Statistics. VO: 81, No: 2, PP 261- 276.

Boggess, S. (1998) "Family Structure, Economic Status, and Educational Attainment" Journal of Population Economics, VO: 11, No: 2, PP 205 – 222.

Bourdieu, Pierre (1977) "Cultural reproduction and social reproduction in: Power and ideology in education" edited by Karbel, Jerome etal, Newyork, Oxford university press.

Conley, Dalton (2001) "Capital for college, parental assets and postsecondary schooling" Sociology of education, VO: 74, No: 1, pp 59-72

Coleman, J. (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital". American Journal of Sociology, VO: 94, No: 1, PP 95-120

Current Population Reports (1992) "Households, Families, and Children: A 30-year Perspective" U.S. Government Printing Office. PP 23-181.

Carpenter, P. & Western, J. (1984) "Transition to Higher Education" Australian Journal of Education 28.3 pp 249-273.

Crosnoecok, Robert, Monica Kirkpatrick Johnson, and Glen. H. Elder (2004) "Intergenerational Bonding in School: The Behavioral and Contextual Correlates of Student Teacher Relationships." Sociology of Education, 77 (1), PP 60-81.

Donna K. Geinther, Robert A. Pollak (2004) "Family Structure and Children's Educational Outcomes: Blended Families, Stylized Facts, and Descriptive Regressions" www.src.uchicago.edu/prc/pdfs/ginthe02.pdf

David A. Kenny (2007) "Multilevel Analysis for Applied Research" The Guilford Press.

David A. kodde and Tozef M. M. Ritzen (1988) "Direct and Indirect Effects of Parental Education Level on the Demand for Higher Education" Journal of Human Resources VO: 23, No. 3, pp. 356 – 371

- Ermisch, J. F. and M. Francescdni, (2001) "Family Structure and Children's Achievements" Journal of Population Economics VO: 14, No. 2, PP 249 – 270.
- Fernando, Oscar and Anna Vignoles (2004) "The Widening Socio – Economic gap in UK higher Education" Centre For the Economics of Education.
- Gomme, Ian.m and Micucci, Anthony (1999) "Class inequality in higher education" Peace review, VO: 11, No: 2, pp 259-265.
- Gladieux L.E and Swail W.S (1998), "Financial aid is not enough"
<http://www.colegeboard.org/policy/html/glad.Html>
- Hurn, Christopher (1993) "The limits and possibilities of schooling" third edition, Allyn and Bacon.
- Hayalen, M.& Carpenter, P. (1990) "From School to higher Education in Australia" Higher Education, VO: 20, No 2, PP 175-196.
- Harvey Goldstein (1999), "Multilevel Statistical Model" Institute of Education" Multilevel Models Project.
- Hatcher, Richard (1998). "Class differentiation in education, rational choices?" Biritish journal of sociology of education, VO: 19, No: 1, PP 5-24.
- Iacovou, Maria (2001), "Family Composition and Children's Educational Outcomes". Institute for Social and Economic Research, Essex University
- Jan Kloczynski and Michat Gmytrasiewicz (1972) "The Socio-Economic Effectiveness of Education" Journal of Higher Education; VO: 1, No: 3, PP 333-344.
- Jennifer, Barry (2006) "The Effect of Socio-Economic Status on Academic Achievement" Wichita State University.
- Juan de Dios Jimenez & Manual Salas-Velasco, (2000); "Modeling Educational Choices. A Binomial Logit Model Applied to the Demand for Higher Education" Journal of Higher Education. VO: 40, No: 1, PP. 293-311
- Jeynes, William H. (2002) "Examine the Effects of the Academic Achievement of Adolescents: the Challenge of Controlling for Family Income" Journal of Family and Economic; VO: 23, No.2, PP.189-210.
- Jone Rasbash, Tom Oconnor (2000). "Multilevel Models for Family Data-Working Paper"
<http://www.cmm.bristol.ac.uk/Publications/Jrgenetics.pdf>
- Lynch, Katheleen; Claire, Oriorday (1998) "Inequality in higher education, a study of class barriers" British journal of sociology of education, VO: 19, No: 4.
- Livingstone, David (1987) "Critical pedagogy and cultural power", Bergin and Garvery Publishers, Inc
- Multilevel Modelling News Letter, VO: 1-14

- Mcneal, Ralph B. (2001), "Differential Effects of Parental Involvement on Cognitive and Behavioral Outcomes by Socio Economic Status" *Journal of Socio Economics* VO: 30, No.2, PP.171-179.
- Majori Banks, Kevin (1996) "Family Learning Environments and Student's Outcomes: A Review" *Journal of Comparative Family Studies* 27 (2), PP. 373-394.
- Philip Holmes-Smith (2006) "School Socio-Economic Density and Its Effect on School Performance", *School Research Evaluation and Measurement Service*.
- Psacharopoulos, G (1979) "A Quantitative Analysis of the Demand for Higher Education" *Journal of Higher Education*, VO. 8, No.2, PP.159-177
- Psacharopoulos, G, & Sanyal, B (1981) "Higher Education and Employment" *The IIEP Experience in Five Less Developed Countries*, Paris, International Institute for Educational Planning P.26.
- Robert Mason Houser (1971) "Socioeconomic Background and Educational Performance" *American Sociological Association*.
- Raywet Deonandan, Karen Campbell, Truls Ostloye, Ian Tummon and James Robertson (2000) "A Comparison of Methods For Measuring Socio-Economic Status Loy Occupation Or Postal" *Population and Public Health Branch*, VO: 21, No: 3, PP.114-118.
- R.Ronder, L.S.Miller (1970) "Demand and Supply in U.S.Higher Education: A Progress Report" *American Economic Review* VO: 60, No.2 PP.326-334.
- Richard James (2002) "Socioeconomic Background and Higher Education Participation" *Commonwealth Department of Education Science x Training*.
- Rozada, Martin Gonzalez, Menendez, Alicia (2001) "Higher Education Subsidies in Argentinam" *Center for International Higher Education*.
- St.Lucia (2008) "Factors Influencing the Decision of Students From Low Socio-Economic Backgrounds to Enrol in Higher Education" *Research by the Equity Office The University of Queensland*.
- Tom A. B. Snijders and Roel J. Bosker (2004) "Multilevel Analysis" *SAGE Publications, London*.
- Vernon Gayle, Damon Berridge, Richard B. Davies (2003), "Econometric Analysis of the Demand for Higher Education" *Research Report, No 472, University of Stirling*.
- Wanner, Richard (1999) "Expansion and ascription trends in educational opportunity in Canada 1920-1994" *Canadian review of sociology and anthropology*, VO: 36, No: 3, PP.409-442.
- Western, J, McMillan, J. & Durrington D. (1998) "Differential Access to Higher Education: The Measurement of Socioeconomic Status, Rurality and Isolation" <http://www.dest.gov.au/highered/eippubs/eip98-14.pdf>